

وضعیت پسا استعماری و تعدد قوانین اساسی افغانستان

وضعیت پسا استعماری و تعدد قوانین اساسی افغانستان

داکتر زکیه عادلې



سرشناسه:	زکيه، عادلې
عنوان و پديدآور:	وضعيت پسااستعماري و تعدد قوانين اساسي افغانستان / زکيه عادلې
مشخصات نشر:	کابل، انتشارات دانشگاه کاتب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهري:	۲۵۰ صفحه
موضوع:	سياست، پسااستعمارگرایی، وابستگی، قانون اساسي، دموکراسي، افغانستان
موضوع به انگلیسی:	Postcolonial situation and multiplicity of Afghanistan Constitution Law



نام کتاب:	وضعيت پسااستعماري و تعدد قوانين اساسي افغانستان
نویسنده:	داکتر زکيه عادلې
ناشر:	انتشارات دانشگاه کاتب
ویراستار:	داکتر حفیظ الله شریعتی
برگ آرا و طراح جلد:	هادی مروج
چاپ اول:	بهار ۱۳۹۴
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
چاپ:	نشر واژه
قیمت:	۲۰۰ افغانی
آدرس دانشگاه کاتب:	کابل، سرک دارالامان، روپروې لیسې حبیبیه

تمامی حقوق مادی و معنوی اثر محفوظ است. تکثیر و تولید آن به هر صورت (چاپ، کپی، عکس، انتشار الکترونیکی و غیره) اخلاقاً نادرست و قانوناً ممنوع است. با متخلف بر خورد قانونی صورت می گیرد.

محل پخش و فروش: کابل، چوک شهید مزاری، مارکیت محمدی، دکان شماره ۳۵، نشر واژه
۰۷۹۵ ۹۸۹ ۹۷۲

تقدیم به

مهلا،

مهسا

و تمام آینده سازانی
که می آموزند و می آموزانند
عشق و خدمت به وطن را.

فهرست مطالب

فصل اول

مبانی تئوریک

۹	پیشینه‌ی موضوع
۱۵	مبانی تئوریک
۳۰	الگوهای قانون اساسی
۳۳	چارچوب تئوریک پژوهش

فصل دوم

نوع‌شناسی قوانین اساسی افغانستان

۳۹	تعریف و تاریخچه‌ی قانون اساسی
۴۲	اقسام قانون اساسی
۴۳	مدل‌های قانون اساسی
۵۲	تاریخچه‌ی قانون اساسی در افغانستان
۵۴	نوع‌شناسی قوانین اساسی افغانستان

فصل سوم

وابستگی در وضعیت پسااستعماری

۸۳	وابستگی
۹۳	وضعیت پسااستعماری
۱۰۵	وابستگی در وضعیت پسااستعماری

فصل چهارم

تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر بی‌ثباتی دولت و تعدد قوانین اساسی افغانستان

- حضور استعمار در افغانستان..... ۱۱۵
- تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر بی‌ثباتی دولت در افغانستان..... ۱۱۹
- تأثیر بی‌ثباتی دولت بر تغییر و تعدد قوانین اساسی در افغانستان..... ۱۳۴
- میزان بی‌ثباتی دولت در دوره‌های سه‌گانه..... ۱۴۸

فصل پنجم

تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر توزیع نامتوازن قدرت و منابع و تعدد قوانین اساسی افغانستان

- تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر توزیع قدرت و منابع در افغانستان... ۱۵۵
- توزیع نامتوازن قدرت و منابع..... ۱۶۵
- میزان توزیع متوازن قدرت و منابع در دوره‌های سه‌گانه..... ۱۸۱

فصل ششم

تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر سطح دموکراسی و تعدد قوانین اساسی افغانستان

- تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر سطح دموکراسی در افغانستان..... ۱۸۹
- تأثیر سطح دموکراسی بر تعدد قوانین اساسی در افغانستان..... ۲۰۴
- میزان سطح دموکراسی در دوره‌های سه‌گانه..... ۲۱۸

فهرست مطالب / ج

نتیجه‌گیری ۲۲۰

کتاب‌شناسی ۲۲۷

پیشگفتار

امروزه قانون اساسی هر کشور به عنوان نخستین سند قانونی، معرف چهره‌ی نظام سیاسی و روابط قدرت میان دولت و جامعه است. بیش‌تر تصور می‌شود چون نهضت دستورگرایی در قرون اخیر به وقوع پیوسته است و اکثر کشورها در پی وقوع آن درصدد تدوین قانون اساسی برآمده‌اند، بنابراین ظهور و شکل‌گیری قانون اساسی پیامد تحولات جدید است. در صورتی که قانون اساسی به لحاظ محتوایی سابقه‌ی ریشه‌داری در تاریخ سیاسی حقوقی بشر دارد. از این‌رو، قانون اساسی مفهوم نوظهوری نیست. تورنهییل در این رابطه از دو پارادایم پیشامدرن و مدرن قانون اساسی سخن می‌گوید. در واقع قوانین اساسی شکلی محصول پارادایم مدرن‌اند.

قانون اساسی از آن جهت که مزایای مثبتی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد، حائز اهمیت بسیار است. دال در این باره معتقد است قانون اساسی ۱. به ثبات نهادهای دموکراتیک کمک می‌کند. ۲. از حقوق بنیادین شهروندان حمایت می‌کند. ۳. بر مبنای قانون اساسی شهروندان می‌توانند رهبران سیاسی را در قبال تصمیمات و اقداماتشان دعوت به پاسخ‌گویی کنند. ۴. از طریق ایجاد فرصت‌های برابر و حضور منصفانه، روند رسیدن به اجماع آگاهانه‌ی شهروندان را تسهیل می‌کند. ۵. مشروعیت حکومت را ثبات می‌بخشد (دال، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۲).

بنابراین، وجود قانون اساسی خوب طراحی شده در کشور می‌تواند به ثبات و توسعه نهادهای دموکراتیک جامعه مدد رساند. در افغانستان وجود

و / وضعیت پسااستعماری و تعدد قوانین اساسی افغانستان

قوانین اساسی متعدد نه تنها کمکی به ثبات و تسهیل روند دموکراتیک در کشور نکرده است؛ بلکه خود منشأ بسیاری از ناپایداری‌های سیاسی در کشور بوده است و اغلب این تصور را در نخبگان سیاسی شکل داده است که توأم با تغییر نظام سیاسی باید قانون اساسی هم مطابق با اصول و اهداف نظام سیاسی جدید تغییر یابد. چنین امری به گسترش ناآرامی‌های سیاسی از سوی مخالفان نظام سیاسی جدید دامن زده است.

از زمان استقلال افغانستان (۱۲۹۸ شمسی) (۱۹۱۹ میلادی) تا کنون که قریب به یک قرن می‌گذرد، ۷ قانون اساسی در این کشور رسمیت یافته است؛^۱ چنانچه دو قانون اساسی غیر مصوب دوره‌ی مجاهدین و طالبان نیز به آن اضافه گردد، مجموع قوانین اساسی این کشور در یک قرن به ۹ قانون اساسی می‌رسد.

آنچه در این رابطه ذهن را مشغول می‌سازد، چرایی تعدد قوانین اساسی در افغانستان و شناسایی عوامل مؤثر بر تعدد قوانین اساسی در این کشور است. در واقع پژوهش حاضر در پاسخ به سؤال فوق و تبیین روابط علی موجود در این رابطه تدوین شده است. فقدان پژوهش‌های علمی در این زمینه و احساس ضرورت جهت پرداختن به قوانین اساسی افغانستان از منظر پسااستعمارگرایی و وابستگی، انگیزه اصلی در پژوهش حاضر است.

۱. نظام‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان ۱۳۰۱ شامل ۷۳ ماده در زمان حکومت امان‌الله خان ۲. اصول اساسی دولت علیه افغانستان ۱۳۱۰ شامل ۱۱۰ ماده در زمان حکومت نادرشاه ۳. قانون اساسی ۱۳۴۳ شامل ۱۱ فصل و ۱۲۸ ماده در زمان حکومت ظاهرشاه ۴. قانون اساسی ۱۳۵۵ شامل ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده در زمان ریاست جمهوری داوود خان ۵. اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱۳۵۹ شامل ۶۸ ماده در زمان ریاست جمهوری به برک کارمل ۶. قانون اساسی ۱۳۶۶ شامل ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده در زمان ریاست جمهوری دکتر نجیب‌الله ۷. قانون اساسی ۱۳۸۲ شامل ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی.

پیشگفتار / ز

این کتاب که محدوده زمانی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۰۱ شمسی) را در بر می‌گیرد، به عوامل مؤثر بر تعدد قوانین اساسی در سه دوره تاریخی سلطنتی مشروطه (۱۳۵۲-۱۳۰۱ ش)، دوره‌ی کمونیستی (۱۳۷۰-۱۳۵۲ ش) و دوره جدید (۱۳۹۰-۱۳۷۰ ش) می‌پردازد.

عدم وجود منابع مربوط به قوانین اساسی افغانستان در ارتباط با وضعیت وابستگی و پسااستعماری از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است. ضمن آن که نبود پژوهش‌های مشابه در این زمینه و تلفیق مباحث وابستگی و وضعیت پسااستعماری با تعدد قوانین اساسی افغانستان به طوری که انسجام منطقی آن حفظ گردد، کار را به مراتب دشوارتر ساخته است.

این کتاب در شش فصل سازمان‌دهی شده است. فصل اول به کلیات و مبانی تئوریک پرداخته و در راستای آزمون فرضیه از الگوی عوامل تغییر قانون اساسی در تلفیق با مباحث وابستگی و وضعیت استعماری بهره می‌گیرد. فصل دوم با الهام از مباحث جامعه‌شناسی قانون اساسی تورنهییل و مباحث تحول تاریخی قانون اساسی ارجمند به نوع‌شناسی قوانین اساسی افغانستان می‌پردازد. در فصل سوم مباحث تئوریک وابستگی و وضعیت پسااستعماری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و شاخص‌های وابستگی و وضعیت پسااستعماری مطرح می‌گردند. در ادامه، فصل چهارم تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری را بر بی‌ثباتی دولت و تعدد قوانین اساسی در دوره‌های سه‌گانه افغانستان مورد تحلیل قرار خواهد داد. فصل پنجم به تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری بر توزیع قدرت و منابع و هم‌چنین تعدد قوانین اساسی در افغانستان پرداخته و فصل ششم تأثیر وابستگی و وضعیت پسااستعماری را بر سطح دموکراسی و تعدد قوانین اساسی در

ح / وضعیت پسااستعماری و تعدد قوانین اساسی افغانستان

افغانستان مورد تجزیه تحلیل قرار خواهد داد. در پایان نیز نتایج پژوهش در قالب نتیجه‌گیری بیان خواهد شد.

در این جا لازم می‌بینم از آقایان، داکتر مسعود غفاری و داکتر عباس منوچهری که با راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمندشان، صادقانه مرا در این پژوهش همراهی نمودند، کمال سپاس و امتنان خود را ابراز نمایم. هم‌چنین از مدیریت تحقیقات دانشگاه کاتب صمیمانه سپاس‌گذارم که زحمت چاپ این اثر را متقبل شدند. در نهایت از همه‌ی عزیزانی که به نحوی در به ثمر رسیدن و چاپ این کتاب سهیم بوده‌اند، تشکر و اظهار سپاس می‌نمایم.

رکیه عادل

کابل ۱۳۹۴